

# پژوهش در عمل

فصل چهارم از کتاب *Enquiry Learning*

By: Rob MC Bride and John Schostak

ترجمه: فاطمه محمدزاده\* و علی‌رضا شواخی\*\*

## پژوهش در عمل چیست؟

اگر چه ممکن است از هم اکنون شما مطالب زیادی را که درباره پژوهش در عمل نوشته شده بدانید، با این حال در زمان شروع، به‌بیشتر این مطالب نیازی نیست.

همان‌گونه که پژوهش در عمل، در این کتاب شکلی از تحقیق کیفی در نظر گرفته شده است، از هم اکنون لازم است شما مجدانه در مورد آنچه باید انجام گیرد، نظریاتی داشته باشید.

زمانی که معلمان، درسی را آموزش می‌دهند و احساس می‌کنند که بایستی پیشرفت یا تغییری صورت گیرد، به‌نوعی در حال پژوهش در عمل می‌باشند.

به‌بیان ساده پژوهش در عمل، تعمق در تدریس و گذر از میان تغییرات است که در برخی مواقع گروهی از همکاران، آن را با هم انجام می‌دهند.

عموماً این انتظار از اقدام‌پژوهان می‌رود که پژوهش خود را با دقت زیادتری، نسبت به آنچه در بالا بیان شد، انجام دهند.

این کتاب<sup>۱</sup> بر آن است که خواننده را به‌موضوعاتی نظیر ملاحظات اخلاقی (که در زمان جمع‌آوری اطلاعات ظاهر می‌شود)، چگونگی ساخت نظریه و مواردی دیگر آگاه سازد. اما این فصل در پی تقویت نظریات مقدماتی شما است. به‌هر حال تا هنگامی که به این صفحات و احتمالاً سایر مطالب (در نشریات دیگر) در مورد پژوهش در عمل نظر می‌کنید، لازم است شما این کار را خود انجام دهید.

در ادامه ما مراحل را طی می‌کنیم که شما باید با در نظر گرفتن آن‌ها به‌زبان ساده توضیح دهید که چه کاری بایستی انجام گیرد.

راب مک براید<sup>(۱)</sup> با گروهی از معلمان در مورد مراحل که

برای بهبود تجربه در افراد ۱۶ تا ۱۹ ساله، بایستی طی شود بحث می‌کردند. یکی از معلمان اظهار داشت که اکثر اوقات می‌توانست از دفتر کارش، گروهی از نوجوانان را در زمین بازی مجاور ببیند که بیشتر آنان یا ترک تحصیل کرده و یا بیکار بودند، تعدادی از آنان مواد مصرف می‌کردند و بعضی هم مرتکب جرائم کیفی بودند و او احساس می‌کرد که در حق آنان کوتاهی کرده است.

معلم دیگر اشاره به موقعیت اقتصادی نمود و اظهار داشت که لازم نیست او خود را سرزنش نماید و نفر سوم بر این باور بود که رشد مصرف‌گرایی و افزایش فاصله میان ثروتمندان و فقرا، سبب این موارد شده است.

اگر با دقت در این حکایت بنگریم جایگاهی برای کاوش و تجزیه و تحلیل و تبیین وجود دارد و پژوهشی که به‌تنهایی دلالت بر فهم موقعیت‌ها دارد، می‌تواند با اتخاذ شیوه‌های مناسب، حکایت بالا را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

اقدام‌پژوه نیز از چنین مرحله‌ای عبور خواهد کرد. اما سرانجام از خود می‌پرسد: چه کار می‌توانم انجام دهم، در حالی که موقعیت موجود امیدبخش به‌نظر نمی‌رسد؟

پژوهش در عمل، از زمانی شروع می‌شود که افراد حرفه‌ای این سؤال و سؤال‌های مشابه آن‌را از خود بپرسند. بنابراین ممکن است شما تصور کنید که این موضوع سبب بعضی از دوگانگی‌ها در میان افرادی که مدعی انجام پژوهش در عمل هستند شده است.

\* کارشناس تحقیقات و پژوهش سازمان آموزش و پرورش استان اصفهان

\*\* کارشناس ارشد تحقیقات آموزشی

کار و کمیس (۲) (۱۹۸۶) پژوهش در عمل را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «پژوهش در عمل، شکلی از سؤال با خوداندیشی (۳) است که به‌وسیله مشارکت‌کنندگان (برای مثال: معلمان، دانش‌آموزان یا مدیران مدارس) در موقعیت‌های اجتماعی (و نیز آموزشی) با نظر به اصلاح معقول و متعادل از، الف) شیوه‌های آموزشی (اجتماعی) خود، ب) درک آنان از این شیوه‌ها، ج) موقعیت‌ها (مؤسساتی) که در آن‌جا این شیوه‌ها اجرا شده، پذیرفته شده است.»

البته این‌گونه نیست که تمامی اقدام‌پژوهان با این تعریف موافق باشند، اما یک توافق کلی وجود دارد که مشارکت‌کنندگان خود متعهد به پژوهش می‌شوند. توافق درباره‌ی استفاده از واژه‌های «معقول» (۴) و «متعادل» (۵) و درباره «موقعیت‌ها» (۶) (بند ج)، کمتر است. بند (ج) سبب ایجاد سؤال‌های مهم‌تری می‌شود. به‌طوری که از یک سو این بند تمایل به منحرف کردن پژوهش از محل وقوع دارد و از سوی دیگر سبب کندی در بهبود شرایط اصلاحی می‌گردد. همان‌گونه که این مفهوم درباره‌ی معلمانی که حکایت آنان را قبلاً شرح دادم سبب برداشت‌های متفاوت آنان از یک موقعیت شده بود.

یک راه حل ممکن برای دوری جستن از این سوء تعبیرها این است که اقدام‌پژوهان به سؤال‌های اساسی و محل وقوع آن‌ها با دقت بیاندیشند. ذکر این نکته ضروری است که کانون اصلی توجه در اقدام‌پژوهی بر اصلاح عمل استوار است. پروفیسور جان الیوت (۷) سرپرست دانشکده آموزشی در UEA و یک فرد بسیار با نفوذ، برای پژوهش در عمل تعریف زیر را ارائه نموده است:

«مطالعه‌ی یک موقعیت اجتماعی با دید اصلاح کیفیت اقدام در آن موقعیت» (الیوت، ۱۹۸۲) بر بخت سومخ (در مک براید، ۱۹۸۹) این تعریف را مبنای یک تعریف جامع‌تر قرار داده است، به‌طوری که او پژوهش در عمل را این‌گونه می‌بیند: «مطالعه یک موقعیت اجتماعی با درگیر کردن خود مشارکت‌کننده به‌عنوان پژوهشگر با نظر به اصلاح کیفیت اقدام در آن موقعیت»

تعریف اخیر، بیش از سایر تعاریف مورد قبول واقع شده است.

تعاریف و کاربردهای پژوهش در عمل در حوزه‌های مختلف توسط تعداد زیادی از دانشگاهیان مورد بحث و اظهار نظر قرار گرفته است. در حالی که به‌نظر می‌رسد پژوهش در عمل شکلی از نگاه دقیق به مسائل می‌باشد. در این راستا ما باید درک عمیق‌تری از این تعریف را نسبت به آنچه به‌طور معمول در می‌یابیم استنباط کنیم. درست مانند آنچه که بعضی از دانشگاهیان با این تعاریف انجام داده‌اند. ما ملزم هستیم درکی عمیق‌تر و اساسی‌تر از کاربردهای اصطلاحات و ایده‌ها به‌دست آوریم، به این معنا که ضرورتاً اصطلاحاتی را بسازیم که به‌طور روزمره به‌کار گرفته می‌شوند.

اتفاقی نیست که جان الیوت درباره‌ی مشکلات کنترل متمرکز آموزش، به‌طور گسترده مطالبی را تألیف کرده است. در واقع او متذکر شده که با درگیر کردن اقدام‌پژوهان در یک موقعیت غیر بروکر اتیک، آنان از یک چارچوب محتوایی وسیع‌تری آگاه می‌شوند و مسلماً این نظریه قابل قبول می‌باشد. اگر چه جای شگفتی است که برخی کارورزان منتقد به‌سیاست‌های ملی، و آنانی که نگران سؤال‌های بزرگ‌تر بوده‌اند، وارد عرصه‌ی پژوهش در عمل نگردیدند. اما اقدام‌پژوهان معمولاً مشتاق بیان این نکته هستند که کار آنان کاهش شکاف بین نظریه و عمل می‌باشد. باید گفت آنان علاقه‌ای به نظریه‌ای که در عمل پیاده نشده و یا عملی که بازتاب دهنده‌ی نظریه نباشد، ندارند. در این معنا، نظریه و عمل با هم در تعامل هستند.

هم‌چنین ما می‌توانیم از تعریف سومخ به این نتیجه برسیم که پژوهش در عمل توسط دانشمندی آرمانی و یا دانشمندی که از اهداف موجود جدا بوده باشد انجام نمی‌گیرد. پس اقدام‌پژوه تا اندازه‌ای یک محرم راز تلقی می‌شود که درصدد است با مطالعه‌ی یک موقعیت اجتماعی (آموزشی) آن موقعیت را تغییر دهد.

برای مثال در زمان اجرای یک مصاحبه احتمالاً کارورزان افکار و عقایدی دارند وگرنه در این صورت به‌انجام مصاحبه نیازی نمی‌باشد.

روشن است که اقدام‌پژوه می‌تواند گاهی اوقات برای جمع‌آوری داده‌ها یک فرد غیر خودی را همراه خود کند؛ در این حالت دانش، توانایی است و توسط پژوهشگر پا برجا می‌ماند.

همچنین احتمال دارد که اقدام پژوهی به سختی بتواند بین موقعیت‌های خودی و غیر خودی، در طی دوره‌ی پروژه خود تعادل ایجاد کند.

معمول این است که اقدام پژوهی در حین انجام پژوهش یک دوست منتقد داشته باشد. برای مثال یک فرد دانشگاهی و یا کسی که بتواند به‌عنوان بازتاب دهنده‌ی نظرها و اظهارات عمل کند؛ به‌طوری که اظهارات مبتنی بر نتایج باشد که به‌دست می‌آید و یا نظرات به‌گونه‌ای باشد که کمک به انتخاب عمل یا اقدام نماید.

از کسانی که درگیر اقدام پژوهی هستند انتظار می‌رود داده‌هایی را جمع‌آوری کنند که نسبتاً رسمی‌تر از داده‌هایی باشد که معلمان به‌طور معمول آن‌ها را جمع‌آوری می‌نمایند.

این فرآیند به‌طور ضمنی درکی از روش‌شناسی جمع‌آوری داده‌ها را ارائه می‌دهد، این نقش متفاوتی است که دوست منتقد می‌تواند ایفا کند. عموماً وظیفه‌ی «دوست منتقد» این است که حامی اقدام پژوهی باشد بدون این‌که در انجام پژوهش جانشین وی گردد.

نمودار (۱) نشان می‌دهد که پژوهش در عمل، نه فقط شامل پژوهش، بلکه شامل اقدام هم می‌باشد. برای اقدام پژوهان تازه کار، فکر انجام یک مصاحبه رسمی دلهره‌آور است. انجام اقدام هراس انگیزتر بوده و حتی می‌تواند مانعی برای انجام پژوهش در عمل باشد.

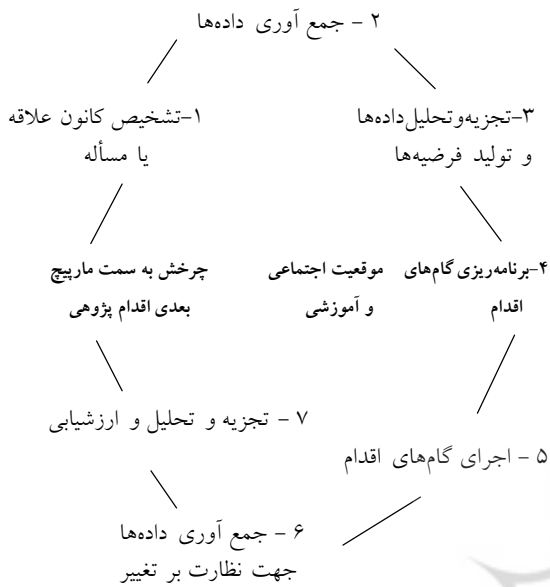
ما معلمی را که شروع به کار اقدام پژوهی می‌کند زمانی به‌عنوان یک معلم محقق می‌شناسیم که جستجوگری را به‌عنوان بخشی از پژوهش در عمل انجام می‌دهد، اما از اقدام هم به‌عنوان بخش دیگر آن غفلت نمی‌کند.

این موضوع همواره مورد بحث بوده است که تلاش برای آموزش بدون توجه به اقدام هرگز آموزش نخواهد بود. خوانندگان در می‌یابند که راه آسان‌تر این است که در یک مسیر کوتاه شروع به اجرا کنند. مثلاً در کلاس خودشان.

اقدام جاه طلبانه‌تر بر دیگران تأثیر خواهد داشت و یا این نتیجه را برای دیگران دارد که در مورد اقدام خود تصمیم بگیرند. به هر حال مهم این است که در چنین حالتی این افراد

محدودیت‌هایی در پژوهش و در اقدام دارند. در این مورد توضیح بیشتر ذیلاً بیان می‌گردد:

فرآیند انجام پژوهش در عمل:



نمودار (۱) - اقتباس از سومخ درمک براید (۱۹۸۹)

ما هم اکنون می‌خواهیم هر یک از مراحل نمودار فوق را به‌همراه الزامات آن‌ها در زیر بیان کنیم:

(۱) تشخیص کانون علاقه یا مسأله (مرحله اول):

در اقدام پژوهی برای افراد تازه کار، این مرحله می‌تواند مشکل‌ترین مرحله باشد. احتمالاً شما بایستی یک دوره‌ای از تعمق را درباره‌ی عمل خودتان طی کنید و یا شاید یک همکار را در حین انجام عمل، زیر نظر بگیرید.

بعضی از معلمان ممکن است دانش‌آموزی داشته باشند و احساس کنند این دانش‌آموز علاقه دارد که بهتر درک شود. شاید فضایی وجود داشته باشد که شما احساس می‌کنید در حال شکست خوردن هستید یا در قسمتی از دوره‌ی تحصیلی هستید که حس می‌کنید صلاحیت لازم را در آن ندارید. یک نمونه‌ی معرف در مورد آنچه شما بیشتر دوست دارید بدانید، نمونه‌ای است که می‌تواند به تدریس شما و... چیزهایی را اضافه کند.

در سایر حرفه‌های تجاری و بیشتر مشاغل مراقبتی ممکن است این فرآیند مربوط به کیفیت تصمیم‌گیری در یک بخش یا یک گروه ویژه باشد.

شک و تردید ممکن است در مورد ساختارهای مدیریتی، توزیع مسؤلیت‌ها و وظایف اظهار گردد و یا امکان دارد بدگمانی‌هایی مبنی بر این‌که رویه‌های تضمین کیفیت نامناسب هستند یا این‌که رویه‌های مشورتی بیش از حد در کانون توجه قرار دارند، ایجاد شود.

ما همه تا حدودی، راحتی و لذت آن‌چه را که با آن مانوس بوده و از آن نتیجه گرفته‌ایم، چشیده‌ایم و آن بخشی از کار که به‌خوبی انجام نگرفته، برای ما ناراحتی ایجاد کرده است. یک راه برای طرح بعضی از مشکلات این است که شما کار خود را با همکاران و ارباب رجوع در میان بگذارید. یک همکار شاید خود را برای نگاه منتقدانه به‌فعالیت‌ها آماده کرده باشد. با فکر کردن بایستی به این نتیجه برسید که آیا این مراحل یا مراحل دیگری را امتحان خواهید کرد. مشکل‌زاترین گام‌ها برای تغییرات، گام‌های اولیه می‌باشد و اگر شما زیاده از حد بر جزئیات فریبده تمرکز کنید بندرت انگیزه‌ی لازم را برای انجام کار پیدا خواهید کرد. بنابراین با خودتان حرف بزنید و خود را برای کار آماده کنید. هرگز پیش‌نهاد نمی‌شود که جسور باشید ولی لازم است به‌ترس‌های خود توجه نکنید و آماده‌ی طبقه‌بندی مشکلات (در زمان پدیدار شدن) باشید.

حقیقتاً مشکل زیادی به‌وجود نمی‌آید و اگر هم ایجاد شود شما بسیاری از آن‌ها را سریعاً می‌توانید حل کنید. راه دیگر این است که شما اصلاً دست به‌کاری نزنید.

البته نوشتن این موارد کمی مخاطره‌آمیز است، اما بنا به تجربه، تغییر و پیشرفت فقط زمانی حاصل می‌شود که افراد خود را به‌خطر اندازند. این هم به‌تجربه ثابت شده است در زمانی که فرآیند اقدام‌پژوهی به‌پیش می‌رود، اقدام‌پژوهان به‌عقب نظر نمی‌کنند بلکه آنان در مورد مطالعات خود اطمینان حاصل کرده و عموماً برای عمل خود رویکردی غنی و قابل انعطاف اتخاذ می‌کنند و به‌طور خلاصه مستقل و توانمند می‌گردند.

۲) جمع‌آوری داده‌ها و عرضه آن‌ها (مرحله‌ی دوم):  
به‌یک معنا طرح مسأله (یا علاقه) اولین مرحله در جمع‌آوری داده‌ها است یا می‌تواند باشد، ولی خواننده ممکن است احساس کند که این مرحله چیزی بیش از یک نقطه‌ی شروع است. اضافه می‌گردد که وجود یک همکار پشتیبان در محل کار شما می‌تواند در جمع‌آوری داده‌ها کمک بزرگی باشد. همان‌گونه که در سایر مراحل این‌گونه خواهد بود.

اجازه دهید اول روشن کنیم داده (۹) چیست. داده می‌تواند به‌اشکال زیر باشد:

● اسناد یا مدارک به‌دست آمده از جریان معمولی فعالیت‌ها

□ در اداره‌ی یک مدرسه یا یک کلاس درس این نوع داده‌ها ممکن است شامل کار دانش‌آموز، دفترهای ثبت، چارت‌های دیواری، فایل‌ها و نوشته‌های دانش‌آموز، یادداشت‌های اولیه، طرح درس یا یادداشت‌های درس، بروشورهای مدرسه، بیانیه‌ها و غیره باشد.

□ در اداره‌ی یک شغل، برای مثال داده‌ها می‌تواند یادداشت‌ها، دقائق ملاقات‌ها، طرح‌های پروژه، بودجه، ارائه‌ی اسناد مربوط به محصولات تولیدی، خصوصیات نقش‌ها و مناسبات افراد، اعلامیه‌های خبری و... باشد.

□ در اداره‌ی یک بیمارستان، داده می‌تواند بخش عمومی بیماران بستری، امور عمومی، برای مثال برنامه‌های مراقبت، پرونده‌های ارباب رجوع، یادداشت‌ها، دفاتر ثبت، تابلوی اعلانات، نشریه و... باشد.

● هم‌چنین داده‌ها می‌تواند عکس‌ها، طرح‌های گرافیکی، دیوار نوشته‌ها، تصاویر دیواری، رفتار متقابل ارباب رجوع و کارمند، تخته سیاه و... باشد.

● یادداشت‌های خود گزارشی (این مدرک نشان می‌دهد که چگونه کارمند یا ارباب رجوع، برخی رویدادها را گزارش کرده است) چنین گزارشی باید در کنار سایر منابع داده‌ها قرار گیرد.

● منابع صوتی - تصویری نیز نوعی داده محسوب

می‌گردد.

● خاطرات هم می‌توانند به‌عنوان داده مطرح گردند.

هر یک از این موارد ضعف‌ها و قوت‌های خود را دارند. در نتیجه پژوهشگران به‌سادگی وابسته به یک نوع از داده‌ها نمی‌گردند، اما سعی می‌کنند مقادیر زیادی از آن‌ها را تا آن‌جا که موقعیت اجازه می‌دهد به‌دست آورند.

هیچ قانون محکم یا ثابتی درباره‌ی چگونگی جمع‌آوری داده‌ها وجود ندارد، اما رهنمودهایی هست که به‌ذهن خطور می‌کند. اگر چه دارا بودن یک فکر باز در جمع‌آوری داده‌ها می‌تواند به‌نوعی ایده‌آل مطلوب باشد، اما به‌ندرت امکان‌پذیر می‌گردد.

هر پژوهشگری یا علاقه‌مند به‌مسأله‌ای بوده و یا درباره‌ی چیزی کنجکاوی شده است. در غیر این صورت چرا تحقیق انجام می‌گیرد؟ کنجکاوی سبب شکل‌گیری سؤال‌هایی می‌شود و از این راه طرح‌ها مشخص می‌گردند. به‌منظور دانستن اطلاعات بیشتر در هر موردی، شخص باید دقیق‌تر مشاهده کند و داده‌های بیشتری جمع‌آوری نماید. بنابراین:

● کنجکاوی‌ها و علائق طبیعی خود را دنبال کنید. زمانی

که پدیدار شدند، از آن‌ها یادداشت تهیه نمایید. شما می‌توانید سؤال (سؤال‌های) تحقیق خود را پالایش نموده یا این‌که انتخاب کنید کدام گام از پژوهش برای

شما بیشترین سودمندی را داشته است.

● با دیگران در علائق و کنجکاوی‌های خود شریک شوید. این راه خوبی برای پالایش ایده‌ها و نظرات است و نیز سبب تقویت یک رویکرد اشتراکی برای پژوهش در عمل می‌گردد.

پس ممکن است ما به‌شما توصیه کنیم که اگر در حال حاضر بدین ترتیب عمل نمی‌کنید، باید در موقعیت خود غوطه‌ور شوید. به‌هر حال علائق و کنجکاوی‌های هدایت‌گر، به‌اندازه‌ی کافی روشن و واضح هستند. راه آسان‌تر این است که بدانید چه داده‌هایی را چگونه جمع‌آوری کنید. برای مثال شاید شما تصمیم بگیرید:

● تصویری از زندگی روزمره در... ایجاد کنید.

● به‌سؤال‌های ویژه‌ای پاسخ دهید. مثل:

□ وقتی که بچه‌ها با هم کار می‌کنند، دوست دارند

درباره‌ی چه چیزهایی با هم صحبت کنند؟

□ وقتی که گروه‌های پروژه با هم کار می‌کنند دوست

دارند درباره‌ی چه چیزهایی با هم صحبت کنند؟

□ وقتی که پرستاران با هم کار می‌کنند، دوست دارند

درباره‌ی چه چیزهایی با هم صحبت کنند؟

□ و غیره.

● برای بهبود شیوه‌ی عمل:

□ آیا طرح کاری X، خواندن را بهتر بهبود می‌بخشد

یا طرح کاری Y؟ و یا سبک آموزشی X بهتر

به‌دانش‌آموزان کمک می‌کند یا سبک Y؟

□ آیا راهبرد مصاحبه X روابط کارمند و ارباب رجوع

را بهتر بهبود می‌بخشد یا راهبرد مصاحبه Y؟

● برای انجام یک مطالعه‌ی موردی از فرد بخصوص یا

گروه بخصوص، بینش‌هایی درباره‌ی برنامه‌ی کاری

شخصی برای زندگی، کار، بازی و... به‌دست آورید.

● بینش‌های انتقادی را به‌داخل اجتماع، شخص،

آموزش، تحصیل، تجارت یا سازمان‌های رفاهی و

بهداشتی گسترش دهید.

سؤال‌هایی که شما را به‌انجام پژوهش راهنمایی کرده است

به‌انتخاب آن چه ثبت می‌کنید نیز هدایت خواهد نمود. برای نمونه

اگر شما می‌خواهید سؤال دوم را پاسخ دهید، مانع توجه بیش از

حد شما به‌موارد توصیفی نامربوطی خواهد شد که در هنگام پاسخ

به‌سؤال یک ضروری می‌باشند.

بدین ترتیب از هر چیزی که مربوط به‌صحبت کردن بچه‌ها در

حین کار نمی‌باشد جلوگیری کرده‌اید. به‌عبارت دیگر شما مانع

چیزهایی نظیر: صحبت معلمان با یکدیگر، صحبت دانش‌آموزان

در غیر زمان کار و امثال این موارد می‌شوید.

هر داده‌ای که شما برای روشن شدن محور پژوهش خود،

جمع‌آوری می‌کنید، بخشی از اساس داده‌های شما را تشکیل



می‌دهد. به‌رحال خطری در جمع‌آوری داده‌ها وجود دارد که ضروری است پژوهشگر آن را تشخیص دهد. به‌بیان ساده، علائق زیادی که شما را به‌سمت انجام دادن تحقیقی هدایت می‌کند، ممکن است باعث گمراهی شما شده و شاید یافته‌های شما را در مسیرهای خیلی پیچیده و دشوار برای شناسایی قرار داده و باعث سوگیری<sup>(۱۰)</sup> آن‌ها شود. توجه به این نکته مهم داشته باشید که ارزش‌های شما باید به‌طور مداوم مورد نقادانه قرار گیرد.

پژوهشگران کیفی، به‌ویژه آنانی که تحت تأثیر پدیدارشناسی<sup>(۱۱)</sup> قرار دارند، از ضرورت مسکوت گذاشتن ارزش‌ها، علائق و باورهای خود، مطلع هستند، اما هیچ‌کس نمی‌تواند در حالی که خالی‌الذهن و به‌دور از پیش‌داوری باشد، تحقیقی انجام دهد. البته این‌جا این مورد نظر ما نیست. بلکه منظور تشخیص این نکته است که ما همه در زندگی روزانه بر اساس باورهای مورد قبول طبیعت عمل می‌کنیم. آنچه که به‌عنوان یک حس مشترک مقدس، صحیح و واقعی در یک فرهنگ یا خرده فرهنگ مورد پذیرش قرار گرفته است، شاید در جایی دیگر مورد نظر نباشد.

تحقیق به‌طور عمده درباره‌ی آشکار کردن پیش‌داوری‌های خودتان می‌باشد و یک چنین موردی به‌شدت می‌تواند تهدیدآمیز شود. این نکته مهم است که در خصوص داده‌ها مراقب باشید بین قضاوت درباره‌ی داده‌ها، تفسیر داده‌ها و خلاصه کردن داده‌ها فرق گذاشته شود.

در سطح فلسفی این‌گونه بحث می‌شود که همه‌ی داده‌ها شکلی از داوری است. «جامعه‌شناسان کیفی»<sup>(۱۲)</sup> «ساختار اجتماعی داده‌ها»<sup>(۱۳)</sup> را به‌طور مداوم بررسی می‌کنند. بحث درباره‌ی این‌که بعضی از چیزها «حقیقت»<sup>(۱۴)</sup> هستند ولی «به‌طور اجتماعی ساختمانند»<sup>(۱۵)</sup> نمی‌باشند، مشکل است.

هر مفهومی در محدوده‌ی یک زمینه حاصل شده از تفکر و شیوه‌ی عمل، معنا پیدا می‌کند و این مفاهیم می‌توانند نسبت به‌زمان‌های مختلف و گویندگان مختلف، متفاوت باشد. در این راستا، مفاهیم از طریق تعاملات اجتماعی، به‌وسیله گویندگان و کارورزان در زمینه‌ی کاربردی خودشان پردازش می‌شوند.

یک دانشمند به‌تعریف‌های علمی از «درخت» و «طبیعت»

برتری می‌دهد. ولی آیا به‌این معناست که تعریف‌های اسطوره‌ای غلط و نامناسب هستند؟ پاسخ ما به‌این سؤال، پیش‌داوری‌های ما را مشخص می‌کند.

پژوهشگران کیفی، قضاوت در این مورد را مسکوت می‌گذارند و به‌بررسی انواع مختلف معانی و شیوه‌های عمل همراه با هر زمینه می‌پردازند. این داوری اگر انجام گیرد، بایستی در پایان تحقیق و نه در نقطه جمع‌آوری داده‌ها صورت پذیرد. اگر این داوری درست صورت گرفته باشد، با یک منطق برای دفاع از داوری همراه خواهد شد که آن هم مبتنی بر داده‌هایی است که به‌عنوان شاهد<sup>(۱۶)</sup> به‌کار رفته است.

به‌این دلیل، این نکته مهم است که پیش‌داوری‌ها مبتنی بر خود داده‌ها ساخته نمی‌شود. در غیر این صورت مبنای داده‌ها، سوگیرانه خواهد شد و در یافته‌ها تحریف صورت می‌پذیرد. مبنای داده‌ها باید نماینده‌ی غیر سودار و مطلوب از خود مورد باشد. بدین ترتیب اصول و رویه‌های اتخاذ شده به‌وسیله پژوهشگران برای انجام پژوهش، بایستی به‌روشنی مشخص شوند.

در فرآیند توسعه‌ی مبنای داده‌ها، جهت‌دستیابی به‌آن‌چه برای ساختن یک نماینده مورد نیاز است، شما در ابتدا از طریق مشاهده، مصاحبه و جمع‌آوری اسناد و مدارک شخصی، درگیر خواهید شد. این سه به‌طور خلاصه در شماره آینده خواهد آمد.

پی‌نوشت‌ها:

- 1 - Rob McBride
- 2 - Carr and Kemmis
- 3 - Self-reflective enquiry
- 4 - rationality
- 5 - justice
- 6 - situations
- 7 - John Elliott
- 8 - Bridget Somekh
- 9 - data
- 10 - bias
- 11 - phenomenology
- 12 - qualitative sociologists
- 13 - social construction of data
- 14 - fact
- 15 - socially constructed
- 16 - evidence